

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ترجمه آزاد از هوشنگ
فرستنده: بابک آزاد
۰۱ فبروری ۲۰۱۶

افشای جزئیات یکی از جنایات دولت فرانسه بعد از گذشت سی سال

بخش دوم و پایانی



مأمور سازمان مخفی فرانسه که در سال ۱۹۸۵، فرماندهی عملیات بمب گذاری در کشتی گروه "صلح سبز" که منجر به کشته شدن یک نفر شده بود را به عهده داشت، سکوت خود را می شکند.

سی سال پیش، سازمان مخفی فرانسه یکی از کشتی های گروه "صلح سبز" به نام "جنگجوی رنگین کمان" که در واقع گل سرسبد کشتی های این گروه محسوب می شد را در شهر بندری آکلند در نیوزیلند منفجر کرد. در این حادثه یک عکاس پرتغالی کشته شد. این کشتی آماده شده بود که به عنوان اعتراض علیه انفجار آزمایشی بمب هسته ای توسط کشور فرانسه در ناحیه جنوبی اقیانوس آرام، به آن منطقه سفر کند. حالا بعد از گذشت سی سال از آن حادثه، عنصر اطلاعاتی فرانسه که عامل این حمله مرگبار شده بود برای اولین بار با شکستن سکوت خود و با عذرخواهی برای اقدامات آن زمان خود، به جلو آمده است.

در روز دهم جولای سال ۱۹۸۵، "جان لوک کیستر"، رهبری تیمی از غواصان را بر عهده داشت که با گذاشتن دو بمب بر بدنه کشتی "جنگجوی رنگین کمان" موجب غرق شدن آن و کشته شدن عکاس گروه "صلح سبز" به نام "فرناندو پریرا" شدند. برنامه تلویزیونی نیوزیلند به نام "یکشنبه"، به تازگی رد پای "جان لوک کیستر" را در شمال فرانسه پیدا کرد و با او در مورد این که در آن روز چه اتفاقی افتاد، به صحبت نشست. این ترجمه متن نوشتاری ویدیوی مزبور می باشد.

جان هادسون (خطاب به جان لوک کیستر): آیا پیامد هانی در سازمان مخفی دولت فرانسه "دی جی اس ای" به وجود آمدند؟ آیا هیچ گونه بحث و صحبتی در مورد این که چه پیش آمد، صورت گرفت؟

جان لوک کیستر: هیچ گونه گزارش گیری واقعی در ستاد مرکزی "دی جی اس ای" انجام نگرفت، به خاطر این که آن ها با مسائل زیادی درگیر بودند و هم این که این حادثه یک فضاحت سیاسی بود. این می توانست یک "واترگیت" باشد، یک واترگیت فرانسوی. آن ها می توانستند ثابت کنند که رئیس جمهور از این مسأله با خبر بود. (توضیح مترجم: واترگیت (۱۹۷۲) اشاره به کار گذاشتن وسائل شنود در مرکز ستاد انتخاباتی نامزد ریاست جمهوری امریکا - سناتور جرج مک گاورن - از حزب دموکرات توسط وابستگان به رئیس جمهور وقت - ریچارد نیکسون از حزب جمهوری خواه بود که افشای آن حادثه و کار های غیر قانونی مشابه با آن موجب به استعفاء و برکناری ریچارد نیکسون از ریاست جمهوری شد.)

جان هادسون: در اوانل سپتمبر ۱۹۸۵ دولت فرانسه زیر فشار بود.

چارلز هرنو (وزیر دفاع در حال صحبت به زبان فرانسوی): هیچ کسی در وزارتخانه من دستور حمله به جنگجوی رنگین کمان را دریافت نکرده بود.

جان هادسون: چارلز هرنو - وزیر دفاع، دستور بمب گذاری از طرف خود را انکار کرد. او ادعا کرد که مأموران مخفی فرانسوی که در نیوزیلند دستگیر و زندانی شدند فقط "صلح سبز" را زیر نظر داشتند. ولی روزنامه "لوموند" با اعلام این خبر که یک تیم سومی از غواصان نظامی بود که مواد منفجره را کار گذاشته بود، در واقع بمب خودش را منفجر کرد.

هرو ادوی پل نل: این یک گزارش خیلی سنتی بود. سرانجام حقیقت توسط روزنامه آشکار شده بود.

جان هادسون: "هرو ادوی پل نل" خبرنگار مسائل پولیسی روزنامه لوموند بود

هرو ادوی پل نل: جنگجوی رنگین کمان توسط یک تیم سومی از غواصان نظامی بود که غرق شد. این همان حلقه گمشده این معما بود.

جان هادسون: او و همکارانش وجود تیم غواصان نظامی را با روش حذف کردن، کشف کردند.

هرو ادوی پل نل: و بالاخره ما موفق شدیم که هویت یک سرهنگ و یک سرگرد، دو نفر، دو تا از مردان قورباغه نی - کیستر و کاماس را که بمب ها را کار گذاشته بودند، کشف کنیم.

جان هادسون (خطاب به هرو ادوی پل نل): وقتی شما این خبر را چاپ کردید، عکس العمل دولت چه بود؟

هرو ادوی پل نل: ما اطلاعاتی را که به دست آورده بودیم در روز سه شنبه چاپ کردیم. سه روز بعد، یعنی در روز جمعه، "چارلی هرنو" و "امیرال لاکاست" از کار کنار گذاشته شدند. حقیقت این است که دولت فرانسه این بمب گذاری ها را برنامه ریزی کرده بود و از این بابت باید از نیوزیلند عذرخواهی کند.

جان هادسون : دستور غرق کردن کشتی جنگجوی "رنگین کمان" مستقیماً از بالاترین رده دولت فرانسه آمده بود. سی سال پیش در ماه سپتامبر ، چارلی هرنو - وزیر دفاع به خاطر نقشی که در این ماجرا داشت ، از کار خود استعفاء داد. ولی رئیس جمهور "میتراوند" چه؟ اگر چه مخارج این عملیات مستقیماً از بودجه اداره "میتراوند" پرداخت شده بود ، ولی او برای ده سال دیگر در مقام خود دوام آورد.

هرو ادوی پل نل : مدارک مالی و هزینه این عملیات ، امور مالی آن موجود هستند. جان هادسون : "هرو ادوی پل نل" میگوید بعد از این که "چارلی هرنو" استعفاء داد ، دولت فرانسه یک کمپین ضداطلاعاتی برای حفظ و مصون نگه داشتن رئیس جمهور به راه انداخت.

هرو ادوی پل نل : آن ها برای چندین ماه ، وجود تیم سوم را انکار می کردند.

جان هادسون : آیا لارنت فیبوس می دانست که چه می گذرد؟

هرو ادوی پل نل : نه ، نه

جان هادسون : ولی او نخست وزیر وقت بود.

هرو ادوی پل نل : نخست وزیر در این امر دخالتی نداشت. فقط ارتش ، وزیر دفاع ، رئیس جمهور در این ماجرا در گیر بودند. در واقع "میتراوند" دستور داده بود.

جان لوک کیستر : در کشور فرانسه ، رئیس جمهور رهبر قوای ارتش هم هست ، در نتیجه گاهی اوقات یک رابطه مستقیم بین رهبر ارتش و وزیر دفاع وجود دارد. بنابراین لارنت فیبوس (نخست وزیر) از این مسأله آگاه نبود.

جان هادسون : یعنی او را از این مسأله دور نگه داشته بودند؟

جان لوک کیستر : بله

جان هادسون : جان لوک کیستر معتقد هست که یک نفر در اداره نخست وزیری ، اسم او را به روزنامه ها لو داده بود.

جان لوک کیستر : من فکر کردم که خبر از طرف یکی از سیاستمداران رده بالا نشأت می گیرد.

هرو ادوی پل نل : من با این نظر سرهنگ کیستر موافق نیستم. علت این که ما اسم او را می دانستیم به خاطر این نبود که نخست وزیر اسم او را به ما داده بود.

جان هادسون : جان لوک کیستر میگوید که اسم او به عنوان غواصی که دو بمب روی بدنه جنگجوی "رنگین کمان" کار گذاشته بود ، در دسرها برای او درست کرد.

جان لوک کیستر : خانواده من خیلی شوکه شده بودند. همسر من شوکه شده بود که یک نفر در این عملیات مُرد ، برای این که قبل از عملیات ، او نمی دانست که من در کجا هستم و چند سال بعد هم مثل خیلی از دیگران ، من هم طلاق گرفتم.

جان هادسون : سرهنگ کیستر به من گفت که او درگیر بسیاری از عملیات مخفیانه دیگر بوده است. او چندین بار با گلوله مجروح شده است و به درجه لژیون افتخار که بالاترین درجه نظامی فرانسه هست ، رسیده است.

جان لوک کیستر : برای ما ، این مثل این بود که ما بخواهیم یک پشه را با دستکش بوکس له بکنیم ، می دانی؟ و این یک عملیات نامتناسب بود. ولی ما می بایستی از دستور اطاعت می کردیم ، و ما سرباز بودیم.

جان هادسون : برای این که تأکید بکند که در مورد بمب گذاری در آکلند او چقدر احساس دلسردی می کند ، "جان لوک کیستر" می خواست که ما را به یک جایگاه یادبود جنگ دوم جهانی ، یکی از چندین جایگاه ها که در سراسر شمال فرانسه پراکنده هستند ، ببرد.

جان هادسون (خطاب به جان لوک کیستر): چرا برای تو مهم هست که ما را به این جا بیاوری؟

جان لوک کیستر: هفت هزار و هفت صد و هشتاد سرباز "کی وی" در دو جنگ جهانی در فرانسه مُردند.

(توضیح مترجم: به مردم نیوزیلند "کی وی" گفته می‌شود.)

جان هادسون: این جا در میان قبر های سربازان استرالیایی، کانادایی و انگلیسی، سربازان نیروی هوایی نیوزیلندی هستند که برای آزادی فرانسه، کشته شدند. برای "جان لوک کیستر" این جا بیش از هر چیز دیگری، سمبل این که چرا "عملیات شیطانی" نسنجیده طراحی شده بود، معنی می‌دهد.

جان لوک کیستر: این کار خیلی اشتباهی بود. این تصمیم بسیار اشتباهی بود که این چنین عملیاتی را در یک کشور متحد، یک کشور دوست اجراء کنیم. در این مکان، خاطره های حلقه های قویی که بین نیوزیلند و فرانسه هستند، وجود دارند، و ما همیشه خود گذشتگی هائی که آن ها برای کشور ما نشان دادند را به خاطر خواهیم سپرد.

جان هادسون: رئیس جمهور "فرانسیس میتراوند" بعد از عزل کردن "چارلز هرنو" - وزیر دفاع سابق، هم چنان رفیق نزدیک او باقی ماند. حالا هر دوی آن ها در گذشته اند. در عین حال، "پیترو ویل کاکس" هنوز مشغول محافظت از کُرّه زمین با سعی در جلوگیری از عواملی که باعث تغییرات در آب و هوا می‌شوند و جلوگیری از ماهی گیری زیاده از حد، توسط "جنگجوی رنگین کمان سوم" هست. برای او عذرخواهی "جان لوک کیستر" چیزی را عوض نمی‌کند.

پیترو ویل کاکس: آن ها کسانی هستند که می بایستی بتوانند با خودشان زندگی کنند. آن ها رختخواب خود را انداخته اند. بگذار شب ها بخوابند.

جان هادسون (خطاب به جان لوک کیستر): "پیترو ویل کاکس" گفت که این عذر خواهی احتمالاً سی سال دیر شده است.

جان لوک کیستر: برای عذرخواهی هیچ وقت دیر نیست.

ایمی گودمن (مجری برنامه رادیو - تلویزیونی "دموکراسی، همین حالا" در امریکا): این فلمی را که هم اکنون دیدید، گزارش جان هادسون برای برنامه تلویزیونی نیوزیلند به نام "یکشنبه" بود که در مورد انفجار در یکی از کشتی های گروه "صلح سبز" به نام "جنگجوی رنگین کمان" که در جولای سال ۱۹۸۵ در حال آماده شدن برای مسافرت به نقطه ای در ناحیه جنوبی اقیانوس آرام، جایی که کشور فرانسه انفجار آزمایشی بمب هسته ئی را برنامه ریزی کرده بود، ساخته شده است.

گزارش شده که مأمور سازمان مخفی فرانسوی "جان لوک کیستر" که دو بمب را بر بدنه کشتی نصب کرده بود، خواهان دیدار با "مارل"، دختر "فرناندو پیرا"، عکاس پرتگالی کشتی "جنگجوی رنگین کمان" شده بود تا از او برای کشته شدن پدرش عذرخواهی کند. "مارل" این دیدار را رد کرد. وی گفت: "همین که به نظر می‌رسد که او واقعاً از این کار خود نادم و پشیمان است، اطلاعات کافی برای من و خانواده من است. او می‌بایستی با خودش زندگی کند و بداند که چه کرده و جزئی از چه بوده است."

برنامه تلویزیونی "یکشنبه" هم چنین با "بانی مک دیارمید" - مدیر اجرائی صلح سبز نیوزیلند تماس گرفت تا در این مورد اظهار نظر کند. بانی مک دیارمید گفت: "من خوشحال هستم که یک نفر از آن شکست مفتضحانه عذرخواهی می‌کند. سی سال از آن واقعه گذشته است، اما هیچ کسی برای قتل فرناندو محاکمه نشده است."

ایمی گودمن: مهمان امشب ما، پیترو ویل کاکس کاپیتان کشتی جنگجوی رنگین کمان است.

ایمی گودمن (خطاب به پیتر ویل کاکس) : هنگام انفجار ، تو آن جا بودی؟ تو توی کشتی بودی؟

پیتر ویل کاکس : بله ، من در کشتی بودم.

ایمی گودمن : تو خوابیده بودی؟ نصفه شب بود؟

پیتر ویل کاکس : بله ، من در کابین خودم خوابیده بودم.

ایمی گودمن : فرناندو هم همین طور؟

پیتر ویل کاکس : بمب ها آن قدر پر قدرت بودند که معجزه بود که ما افراد بیشتری را از دست ندادیم. اگر آن بمب ها مثلاً یک ساعت زودتر منفجر شده بودند ، ما شاید بیست نفر کشته می دادیم.

(توضیح مترجم : پیتر ویل کاکس جواب این سؤال ایمی گودمن را در مورد این که آیا فرناندو هم در کابین خود خوابیده بوده است را نمی دهد ، چرا که در گزارشی که همان موقع پخش شده بود ، او به جان هادسون گفته بود که فرناندو پریرا در زمان انفجار بمب اول در سالن غذاخوری کشتی بوده و برای جمع آوری دوربین های عکاسی خود به کابین خود رفته بود. چون پیتر ویل کاکس - کاپیتان کشتی در کابین خود خوابیده بوده ، این نکته که فرناندو پریرا در زمان انفجار بمب اول در سالن غذاخوری کشتی بوده را احتمالاً می بایستی او از زبان افرادی که در کنار فرناندو در سالن غذاخوری کشتی بودند ، شنیده باشد.)

ایمی گودمن : فقط یک بمب نبود ، درست است؟

پیتر ویل کاکس : بله ، دو بمب منفجر شدند.

ایمی گودمن : در نتیجه این جوری شد که تو بیرون آمدی.

پیتر ویل کاکس : راستش ، بمب اول یک سوراخ شش فوت در هفت فوتی در موتورخانه ایجاد کرد. بمب دوم زیر "میل گاردان" کشتی کار گذاشته شده بود. دومین بمب شاید بعد از گذشت یک دقیقه بعد از بمب اول منفجر شد. و من درست بالای سر آن بمب ایستاده بودم. و این بمب دوم بود که فرناندو پریرا را توی کابین خودش محبوس کرد و او آن قدر زیر آب باقی ماند تا غرق شد.

ایمی گودمن : برای این که او به طرف کابین خودش دویده بود که دوربین های عکاسی اش را بردارد؟

پیتر ویل کاکس : او به کابین خودش رفته بود ، او به کابینش رفته بود تا دوربین های عکاسی اش را بردارد.

ایمی گودمن : حالا ، سی سال بعد ، تو - کاپیتان ویل کاکس - هنوز به دنبال این کار ها هستی. آیا این واقعاً ارزش خطرش را دارد؟

پیتر ویل کاکس : اوه ، آلترناتیو برای من این نیست که فرزندانم را در کُرّه زمینی رها بکنم که آن ها نتوانند فرزندان شان را در مصونیت بزرگ بکنند. من فکر می کنم که این بسیار مهم است. من دو تا دختر بیست و چند ساله دارم. من فکر می کنم که آن ها به علت خیلی خوبی نگران آینده کُرّه زمین هستند. ما می دانیم که "تغییرات در آب و هوا" چه تأثیرات منفی بر روی کُرّه زمین باقی می گذارند. به خشک سالی در کالیفرنیا نگاه کنید. ما در امریکا ثروتمندترین کشور دنیا هستیم. اگر به من اجازه بدهید توضیح می دهم که ما از پس این خشک سالی می توانیم بر بیاییم. در سرزمین هائی مثل کشور هائی که در شرق آفریقا واقع شده اند و جا های دیگری در دنیا ، مثل بنگله دیش ، وقتی خشک سالی میلیون ها آدم را جا به جا می کند ، این کشور ها قادر به مقابله با خشک سالی نیستند. و خشک سالی های بیشتری خواهند آمد. و خشک سالی های بیشتر و بیشتری خواهند آمد ، فقط به خاطر این که ما حاضر نیستیم طریقی که انرژی تولید می کنیم را ، طریقی که انرژی می سازیم را ، عوض کنیم. ما تکنولوژی آن را داریم ، ولی اراده آن را نداریم. و این خیلی احمقانه هست.

ایمی گودمن : آیا برنامه مسافرت دیگری داری؟

پیترویل کاکس : مسلماً ، من تا سه هفته دیگر از این جا می روم.

ایمی گودمن : کجا می روی؟

پیترویل کاکس : نیوزیلند ، شاید هم استرالیا ، یک کمپین علیه ماهی گیری "تونا" وجود دارد ، بزرگترین کمپین صلح

سبز...

ایمی گودمن : در این جا من می خواهم که یک لحظه به عقب برگردیم. چگونه ثابت شد که این مأموران سازمان مخفی

فرانسه بودند که این کار را کردند؟

پیترویل کاکس : راستش ، هنگام دستگیری ، به قول معروف دم خروس از زیر عباى آن ها بیرون زده بود. سی

ساعت بعد از حادثه ، آن ها - یک زن و یک مرد - که وانمود می کردند که توریست سوئیس هستند ، هنگام تحویل

دادن یک کامیون پیک نیکی در فرودگاه آکلند دستگیر شدند. پولیس ها تمام روز آن ها را بازجویی کردند. در آخر

شب هم آن ها را به یک هتل بردند و به آن ها گفتند : "ببینید ، ما خیلی متأسفیم که مزاحم شما شدیم و شما را دستگیر

کردیم و باعث شدیم که شما پرواز خود را از دست به دهید. امشب در این هتل مهمان ما باشید و برای شام هر چه دل

تان می خواهد به رستوران هتل سفارش بدهید تا برای شما بیاورد ، فردا ما شما را به فرودگاه خواهیم برد."

آن ها هم اولین کاری که کردند با تلفون هتل که مکالمه با آن در اداره پولیس ضبط می شد با ستاد مرکزی "دی جی

اس ای" در فرانسه تماس گرفتند و گفتند که ما "کار" را انجام دادیم ولی پرواز ما یک روز تأخیر خواهد داشت. پولیس

هم بعد از بررسی بیشتر متوجه شد که پاسپورت های سوئیس آن ها جعلی است.

ایمی گودمن : در نتیجه فرانسه قبول مسئولیت کرد.

پیترویل کاکس : آن ها مسئولیت آن را پذیرفتند ، به من و کشور نیوزیلند هم خسارت پرداختند ، ولی هرگز ، هرگز

عذرخواهی نکردند.

ایمی گودمن : راستش ، سی مین سالگرد آن حادثه ، وقت خوبی برای عذرخواهی است.

پیترویل کاکس : ولی من منتظر آن ننشسته ام.

ایمی گودمن : کاپیتان پیترویل کاکس ، از شرکت شما در این برنامه تشکر می کنم.

اکتوبر ۲۰۱۵

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۹۸ ، آذر ماه [قوس] ۱۳۹۴